

کنفرانسی با اهمیت جهانی و یک پیروزی عظیم برای جنبش آزادی زن کنفرانس ۱۲ اوت تورنتو

در ابتدا آیان هرسی علی بدون آنکه سخنرانی کند طرح کرد که ترجیح میدهد با پرسش شرکت کنندگان بحث را ارائه دهد. اساس تاکید او بر این بود که اسلام و فرهنگ اسلامی به اندازه کافی دستور و فرامین دارد که بتوان با اتکا به آنها هرگونه ستم بر زنان را تشویق و توجیه کرد. او همچنین از تجربیات شخصی خویش و خشونت‌هایی که بر او روا شده بود و این که دولت هلند مانع شکل گیری دادگاههای اسلامی در آن کشور شده است، صحبت کرد. او چندین بار علت شرکت خود در این کنفرانس را برای نشان دادن حمایت عمیق خویش از کمپین علیه شریعه اعلام کرد. سخنان او در عین سادگی مورد استقبال وسیع حاضرین قرار گرفت. سخنران دوم ارشاد منجی بود که بیشتر به نقد فرهنگهای ارتجاعی پرداخت و این که تاکنون اسلام را از

صفحه ۲



هما ارجمند و آیان هرسی علی

نامه شهروند و تلویزیونهای سی بی سی، اوم نی، سی تی وی، سیتی تی وی، گلوبال تی وی، رادیو سی بی سی، سی کی ال ام، سی بی سی به زبان فرانسوی و خبرگزاری رویتر و همچنین چندین گروه برنامه ساز مستند و مستقل. سپس بخش سخنرانی آغاز شد که

علت آمدن آیان به کانادا و شرکت در این کنفرانس و دهها سوال دیگر پاسخ دادند. این برنامه بیش از یکساعت طول کشید. در این بخش خبرنگاران و نویسندگان روزنامه های زیر حضور داشتند: روزنامه های تورنتو استار، گلوبال میل، تایمز، نائو Now هفته

به دعوت کمپین علیه شریعه در کانادا، کنفرانس "قوانین اسلامی و جهانی شدن اسلام سیاسی" با حضور هما ارجمند عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن و چهره سرشناس مبارزه علیه شکل گیری دادگاههای اسلامی در کانادا، آیان هرسی علی نویسنده و فیلمساز و ارشاد منجی نویسنده و برنامه ساز تلویزیونی در روز جمعه ۱۲ اوت در شهر تورنتو با شرکت دهها خبرنگار سراسری و محلی و با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از فعالین جنبش زنان، مسئولین سازمانهای مدافع حقوق بشر و حقوق زنان، زیر کنترل شدید پلیسی برگزار شد.

این برنامه با کنفرانس مطبوعاتی آغاز شد که در آن هما ارجمند و آیان هرسی علی به سوالات خبرنگاران در مورد وضعیت زنان در کشورهای اسلام زده، مسئله دادگاههای اسلامی در کانادا، علت برگزاری این کنفرانس،



میز کتاب سازمان آزادی زن در استکهلم مورد استقبال قرار گرفت

پلاکاردهای بزرگ شده، آخرین شماره نشریه آزادی زن و مدوسا، لوگوی بزرگ شده ساز و همینطور عکس بزرگ کبرا رحمانپور را داشتیم که در اطراف دیده می شد و مورد توجه زیاد قرار می گرفت. نوشته هایی به زبان انگلیسی، از

صفحه ۳

از تاریخ ۱ تا ۶ اگوست در استکهلم هفته همایش همجنسگرایان بود که ما فعالین سازمان آزادی زن در دو روز آن میز اطلاعاتی برگزار کردیم. میزهای ما با استقبال زیاد مردم روبرو شد. علاوه بر برگه های اطلاعاتی در معرفی سازمان آزادی زن، ما روی میزمان

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

کنفرانسی با اهمیت جهانی و یک پیروزی عظیم برای جنبش آزادی زن

از صفحه ۱

زاویه مرد نگر بسته اند و زمان آن است که تفسیر زنانه از آن را نیز ارائه دهیم تا حقوق زنان که همیشه انکار شده را تامین کنیم. سخنران آخر هما ارجمند

میلیون مردم در کشورهای اسلام زده روا میشود. او همچنین به نقد مقولاتی چون "فاندامنتالیسم" و "کشورهای اسلامی" پرداخت و اهداف سیاسی دول

قتل رسید. پخش این فیلم شدیداً حاضرین را تحت تاثیر قرار داد بنحوی که در پایان به احترام همگی بپااستند. پایانبخش برنامه دخالت فعال شرکت

جانب گروههای اسلامی تهدید به مرگ شده بود و همچنین ارشاد منجی که بخاطر دفاع از حقوق همجنسگرایان مورد تهدید قرار گرفته و تحت نظارت پلیس امنیتی زندگی میکنند، حضور بخشی از مقامات دولتی و قضایی در خود کنفرانس، حضور گسترده مدیا و درج خبر این کنفرانس در رسانه های جهانی و از همه مهمتر شرکت سه شخصیت معروف از کشورهای اسلام زده و یا قربانی فرهنگ اسلامی در این کنفرانس که شدیداً با تشکیل دادگاههای اسلامی مخالف بودند، در مقیاس بالایی تامین شده است.

بطور قطع تاثیر همه جانبه این کنفرانس را در آینده نزدیک و نقشی که در جابجایی توازن قوا در سطح جامعه به نفع ترقی خواهی، آزادیخواهی و جنبش برابری زنان خواهد داشت شاهد خواهیم بود و دامنه تاثیر این کنفرانس از محدوده کانادا بسیار فراتر خواهد رفت. اما آنچه که مسلم است این کنفرانس به يك معنی فشرده ای از دستاوردهای ۲۰ ماهه کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا و يك نقطه عطف تعیین کننده در سیر آتی جنبش برابری طلب و سکولاریستی بوده است. در عین حال این کنفرانس سرآغاز يك فعالیت بسیار گسترده تر و تاثیر گذارتر در بعد جهانی خواهد بود.

کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی
۱۳ اوت ۲۰۰۵



بود که به توضیح مشخصات اسلام سیاسی بعنوان جنبشی که برای کسب قدرت مبارزه میکند و این که این جنبش هیچ ربطی به مردم کشورهای اسلام زده ندارد، پرداخت. او تاکید کرد این مردم اولین قربانیان این جنبش بوده و بیشترین صدمات را از آن دیده اند، ترورهای سیاه این جنبش سیاسی در غرب، گوشه بسیار کوچکی از جنایات روزمره و گسترده این جنبش در کشورهای اسلام زده است. کشتار، شکنجه، سرکوب و ترور مخالفین و فعالین سیاسی و مردم عادی که میخواهند از زندگی لذت ببرند، تحمیل بیحقوقی و خفقان، و سلب ابتدائی ترین حقوق مردم، از جانب جریانات و دولت های اسلام سیاسی هر روزه بر دهها

و مدیای غربی در بهره گیری از این مقولات را نشان داد و در آخر به رابطه کوششهای جریانات اسلامی برای ایجاد دادگاههای مدنی اسلامی در کانادا با تحرك اسلام سیاسی در جهان اشاره کرد و گفت برای خلاصی بشریت از این جنبش مقاومتی جهانی باید سازمان داد و از همه حاضرین خواست به کمپین بپیوندند.

بخش سوم کنفرانس اختصاص داشت به پخش فیلم "تسلیم" ساخته آیان هرسی علی و تئو وان گوگ. فیلمی که بخاطر افشای بی امان ستمگری اسلامی بر زنان جنجال زیادی در سطح جهان آفرید و فیلمبردار آن وان گوگ پس از چندین بار تهدید قتل از جانب گروههای اسلامی به طرز فجیعی به

کنندگان در کنفرانس با طرح سوالات و نظرات خود و پاسخ سخنرانان بود.

این کنفرانس از مجموعه فعالیتهای کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا با مسئولیت هما ارجمند بود که با هدف افشاکاری وسیع جریانات اسلامی که در صدد ایجاد دادگاههای مدنی در این کشور هستند و همچنین اعمال فشار به دولت ایالتی انتاریو جهت ممانعت از شکل گیری چنین موسساتی برپا شد. هدفی که با توجه به تبلیغات گسترده ای که قبل از برگزاری این کنفرانس صورت گرفته بود و استقبال بی سابقه مردم برای شرکت در آن، درگیر شدن دو دولت کانادا و هلند در سطوح مختلف جهت تامین امنیت آیان هرسی علی که چندین بار از

تلویزیون آزادی زن، صدای رسای برابری و آزادی زن است. این تلویزیون تریبونی است برای اعتراض به نابرابری و خشونت دولتی در ایران و قوانین ضد اسلامی. تلویزیون آزادی زن دریچه ایست به روی دنیای بهتر، دنیائی که در آن انسانها برابرد و از تحقیر و بی حقوقی و سنگسار خبری نیست. تلویزیون آزادی زن، بیانگر امیال و آرزوهای میلیونها زن و مردی است که از قوانین اسلامی و سایه سیاه اسلام سیاسی بر زندگیشان به تنگ آمده اند و می خواهند دنیائی بسازند که در آن زن بودن جرم نیست و حقوق انسانی بر اساس جنسیت و طبقه و مذهب و رنگ پوست تقسیم نمی شود.

برنامه تلویزیونی **برای آزادی زن** روزهای سه شنبه ساعت نه و نیم صبح به وقت تهران از کانال یک پخش میشود. برنامه های **برای آزادی زن** همچنین در کانال جدید روزهای شنبه ۸ تا ۹ شب و سه شنبه ۱۰ تا ۱۱ صبح و جمعه ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ ظهر به وقت تهران پخش میگردد.



پرونده قتل عاطفه رجبی هنوز باز است قاتلین عاطفه باید شناسایی و محاکمه شوند

پروین کابلی

فراموشی سپرد. مردم آزاده نکا باید در سالگرد اعدام عاطفه یاد وی را گرامی بدارند و اجازه ندهند که این جنایت به دست فراموشی سپرده شود. پرونده قتل عاطفه و صدها نوجوان دیگری که بدست جنایتکاران اسلامی به قتل رسیدند، شامل مرور زمان نخواهد شد. این پرونده برای همیشه بعنوان یکی از شنیعترین جنایت جمهوری اسلامی باز خواهد بود.
parvinkaboli@yahoo.se
۱۲ اوت ۲۰۰۵

کودکان و نوجوانانی که هم اکنون در زندانهای رژیم بسر می برند و منتظر محاکمه میباشند در دست نیست. این کودکان عمدتاً در زندانهای عمومی و همراه با بزه کاران حرفه ای نگهداری میشوند. بسیاری از آنان در زندانها مورد سوء استفاده جنسی زندانیان دیگر و زندانبانان قرار میگیرند. عاطفه رجبی یکی از این کودکانی بود که بدلیل فقر خانوادگی و نداشتن سر پناه به خیابان روی آورده بود. تنها جرم وی فقر بود و بیس. عاطفه رجبی را نباید فراموش کرد. همانطور که قاتلین وی را نباید بدست

یک رژیم جنایتکار و آدمکش. رژیمی که برای زنده نگه داشتن خود هر روز و هر ساعت باید انسانها را قربانی کند. عاطفه رجبی اولین و آخرین کودکی نیست که بدست جنایتکاران رژیم به دار آویخته میشود. حکم اعدام دو نوجوان همجنسگرا که یکی از آنها کمتر از ۱۸ سال داشت تنها نمونه دیگری از تداوم وحشیگری حاکمان اسلامی است. برطبق اخبار و گزارش سازمانهای مدافع حقوق بشر دهها کودک و نوجوان هر ساله در ایران به اعدام محکوم میشوند و تعدادی از آنها به دار آویخته میشوند. هیچ آمار روشن و دقیقی از

۲۵ مرداد ۸۲ عاطفه رجبی در سن ۱۶ سالگی در نکا مازندران در ملاء عام به دار آویخته شد. تمام شواهد از جمله آثار جراحی که در روی جسد وی مشاهده شد، گواهی بر شکنجه شدن وی قبل از اعدام داشت. اخبار رسیده از نکا خبر از تجاوز به وی را در زندان بوسیله حاکم شرع و افسران مامور زندان میداد. جنازه عاطفه ۴۵ دقیقه بر بالای دار باقی ماند. جرم عاطفه سر پیچی از قوانین اسلامی و داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج بود. عاطفه رجبی یک قربانی است. قربانی

میز کتاب سازمان آزادی زن در استکهلم مورد استقبال قرار گرفت

از صفحه ۱

حقوقی زنان و دیگر مردم در ایران در گرفته بود و همگان با علاقه بحث در مورد ایران و اسلام سیاسی را دنبال می کردند. تشویق مردم از کار ما طوری بود که گاهی ما را در آغوش می گرفتند و میبوسیدند و برایمان آرزوی موفقیت در کارمان را داشتند خیلی ها بما آدرس برای تماس با آنها دادند و عده ای دیگر آدرس ساز را گرفتند

میداشتند. ما همچنین عکس دو جوانی را که اخیراً بخاطر همجنسگرایی در ایران اعدام شدند، را روی میزمان داشتیم. نفرت و انزجار مردم وقتی که به این عکسها نگاه میکردند را خیلی محسوس می شد در چهره هایشان دید و عده زیادی در مورد وضعیت همجنسگرایان و زنان در ایران از ما سوال می کردند و بحث و گفتگوی داغی در مورد آپارتاید جنسی و بی

همجنسگرایان در ایران را در میان مردم پخش کردیم و از آنها خواستیم طومارهای ما را امضا کنند. طومارهای ما، یکی برای نجات کبرا رحمانپور از اعدام و یکی در دفاع از بی بی زنی از پاکستان که مورد تجاوز دسته جمعی قرار گرفته و بخاطر مبارزه اش بر علیه این کار از کشورش ممنوع الخروج شده، بودند که مردم با احساس همدردی کامل امضا میکردند و تنفر خودشان را از قوانین اسلامی ابراز



پروین شاعری

جمله مقاله ای از مریم کوشا در مورد

هیچ انسانی محق به قبول و پذیرش این بردگی نیست

از صفحه ۵

ضد زن در حکومت جمهوری اسلامی قرار دارد که با مبارزه متحد و متشکل می توان و باید این هیولا را به زانو در آورد واز صحنه زندگی بشر پاک کرد تا زنان بتوانند به موقعیت واقعی و انسانی خود نزدیکتر شوند.

مخصوصاً آنهایی که هم چون خود من که اکنون در خارج از کشور زندگی می کنند باید به وجدان خود رجوع کنند که نه زندانهای مخوف جمهوری اسلامی بر بالای سرشان است و نه تیغ سانسور و احکام سنگسار و غیره، بنابراین باید این تلاشها را صد چندان کرد و در افشای ماهیت هر پدیده ای که بر علیه زن عمل می کند ایستادگی و مبارزه کنند. کله این هیولای

باور نکنید او را تحقیر کنید. **عبدل گلپریان**: بعنوان یک زن معترض به این نابرابری ها و پایمال شدن حقوق زن فکر می کنید چکار باید کرد؟ **بهشاد رضائی**: پیام به زنان و مردان آزاده چه در ایران و چه در خارج از ایران این است که هیچ انسانی محق به قبول و پذیرش این بردگی نیست. تلاش و مبارزه تاکنونی را باید همچنان به پیش برد.

نپوش"، "لباس پوشیده بیوش". نتیجه آن این است که او احساس کند که او فقط برای یک چیز آفریده شده ... او ترجیح می دهد بمیرد ولی این خفت را نپذیرد. تمام فشارها و تحقیرها را بپذیرد و برده ای باشد در خدمت آقایان به اصطلاح مسلمان. شخصیت و حرمت یک بشر در حین حیات را گرفتن برابر با مرگ اوست. "شخصیت او را بگیر یعنی همه چیز او را گرفتی. او را

به یاد عروس جوانی که در شعله های آتش سوخت!



مینا احدی

آیا کسی در این دنیای وارونه وقت میکند، به سرگذشت این زن جوان فکر کند؟ آیا فرصتی باقی است تا به آخرین افکار او، به آخرین آرزوهایش و به حرفهای دلش که هیچگاه نتوانست بگوید در خلوت خود فکر کنیم؟ آیا وقتی و حوصله ای باقی است که در خلوت هم که شده چند قطره اشک بریزیم و یاد این زن جوان و گمنام را گرامی بداریم؟

نه کسی اسمش را میدانند، و نه عکسی از او در دست است؛ فقط میتوان حدس زد که در نهایت استیصال و درماندگی دست به خود سوزی زده باشد؛ شاید، علاقه ای به ازدواج با مردی که رسماً همسرش بوده، نداشته، شاید آرزوهای دیگری داشته و میخواست زندگی را خودش در دست داشته باشد، شاید انسان بلند پروازی بوده که تاب تحمل قفس را نداشته است؛ شاید از کودکی در فقر و نداری بسر برده و بدلیل مشکلات دوران کودکی، روانش آسیب دیده بود.

اینها حدسیاتی است که میتوان در موردش زد؛ اما چیزهای دیگری را در موردش میتوان با اطمینان گفت. من میتوانم قیافه او را در نظر مجسم کنم که مثل جوان این قرن، آزادی را طلب میکرده است؛ میتوانم صدایش را در گوشم بشنوم که میگوید حق دارد نوع دیگری زندگی کند؛ میتوانم صدای قلبش را بشنوم که از دیدن آزادی و شادی به طیش در آمده و از ترس تحقیر و کتک خوردن و بی حقوقی به درد آمده است؛ من این زن جوان را می شناسم، حتی اگر يك لحظه او را ندیده باشم؛ ما همگی او را می شناسیم؛ برایش اشک

میریزیم و نهایت تاسف خودمان را از این واقعه اعلام میکنیم، چرا که او هم یکی از قربانیان حکومتی و سنتی و مذهبی و روابطی و سیستمی است که ضد زن است.

حتما وقتی در خانه پدرش مشکل داشته، کسی و یا نهادی نبوده به او کمک کند؛ حتما، وقتی خواسته ادامه تحصیل دهد، هیچ نهادی نبوده به او و امثال او کمک کند؛ حتما اگر نمیخواسته ازدواج کند، هیچ نهادی و کسی در خارج از خانواده اش نبوده که به او همیاری کند؛ و نه فقط این؛ او متعلق به نسلی است که چشمش را در ایران تحت حاکمیت تروریستهای اسلامی باز کرده و از روز اول شنیده که زن نیمه مرد است جایش در خانه است و وظیفه اش تمکین به مردان است و در مدرسه و جامعه دیده که حکومت يك زن ستیزی غیر قابل توصیف را در جامعه گسترش میدهد و قوانین و سنتها همگی بر علیه او، بر علیه خواستهای برحقش و بر علیه احساسات و عواطف لطیف او عمل میکنند.

او زن جوانی است که از بد روزگار در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چشم به دنیا گشوده و مجبور بوده فقر و نداری و تحقیر و توهین و زن ستیزی وحشتناک را تجربه کند؛ و لابد وقتی تحت همه فشارها که ما از جزییات آنها با خبر نیستیم، دچار افسردگی میشود، باز هم نه کسی و نه نهادی و یا موسسه ای و یا روانپزشکی حرفه ای او را کمک نکرده است؛ زندگی چنان بیرحمانه او را مچاله کرده که تنها راه حل را همانند صدها زن دیگر، متاسفانه در خودکشی و خود سوزی

دیده است.

و این زنان به تعداد زیادی در شهرها و روستاهای ایران خود را آتش میزنند؛ آتش میزنند تا نشان دهند، به چیزی معترض هستند، تا از ورای آتش و شعله هایی که زندگیشان را نابود میکند، اعلام کنند از چیزی نفرت دارند و پیام آخر زندگیشان اینست که به این معضلات توجه کنید.

جمهوری نکبت اسلامی، زمینه ساز این اوضاع و باعث و بانی این قتلها است؛ اگر چیزی را باید در این پیام دید، نفرت از حکومت زن ستیز، نفرت از قوانین و سنتهای اسلامی و نفرت از فرهنگ و اخلاقیات ضد زن است.

ما یاد این زن جوان، این دوست از دست رفته را گرامی میداریم؛ و به همه زنان تحت ستم در ایران و همه کسانی که زیر فشارها له شده و احساس بن بست میکنند، میگوییم که عزیزان این راه حل نیست؛ آتش زدن خود و خودکشی راه حل هیچ چیز نیست؛ باید کار دیگری کرد.

اولین راه برون رفت از اوضاع شاید این باشد، که شما زنان و دختران، شما کسانی که بدلیل احساسات و یا افکار و یا تمایلات خودتان تحت فشار هستید، به خودتان حق بدهید؛ قوانین اسلامی و سنتهایی که زن را آدم حساب نمیکند و تصمیم در مورد همه جوانب زندگیشان را به دیگران و به مردان خانواده می سپارد، ناحق است؛ شما حق دارید، زندگی کنید، حق دارید با هر کس که میخواهید رابطه جنسی داشته باشید، حق دارید در صورت عدم تمایل از کسی که با او زندگی میکنید، جدا شوید، حق دارید، در مورد کار بیرون از

خانه، خودتان تصمیم بگیرید و حق دارید در مورد همه جوانب زندگی خودتان، خودتان تصمیم بگیرید؛ اگر چیز دیگری میگویند و اعمال فشار میکنند، این فشارها ناحق است و میتوان در مقابل آن ایستاد؛ بر علیه این قوانین، این سنتها و این اخلاقیات شورش کنید؛ با ما تماس بگیرید و جنبش علیه مقررات و قوانین وسنتهای ضد زن را گسترش دهید.

خودکشی و خود سوزی راه حل نیست. اعتراض و مبارزه راه حل است؛ با ما تماس بگیرید تا کاری کنیم که هیچ زن و دختری در ایران یکبار دیگر این سرگذشت دردناک را نداشته باشد؛ به یاد عروس جوان از دست رفته چند قطره اشک میریزیم و اعلام میکنیم که خواهیم کوشید جنبش اعتراض به قوانین و سنتها و اخلاقیات ضد انسانی و ضد زن را گسترش دهیم؛ به یاد این زن جوان و این عزیز از دست رفته چند قطره اشک میریزیم و پیمان می بندیم که در ایران، به جنگ تابوهایی برویم که زن را اسیر دست مردان تعریف میکنند؛ پیمان می بندیم که به داد زنانی بشتانیم که در آستانه خودکشی هستند و به آنها خواهیم گفت دست در دست هم باید بر علیه این ستمها ایستاده و در راس همه اینها بر علیه حکومتی که ضد زن است و زمینه ساز این قتلها است، باید ایستاد، بر علیه حکومتی فاشیست و ضد زن، حکومتی عقب مانده و ارتجاعی، حکومتی متعلق به قرون وسطی قیام خواهیم کرد.

۱۲ اوت ۲۰۰۵

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی

هیچ انسانی محق به قبول و پذیرش این بردگی نیست

گفتگو با بهشاد رضائی



عبدل گلپریان: لطفا خودتان را معرفی کنید.

بهشاد رضایی: دانشجوی ۳ رشته مدیریت بازرگانی که حدود یک سال است برای ادامه تحصیل به کشور فنلاند آمدم.

برای ادامه تحصیل تصمیم گرفتیم به خارج از کشور بیام و درس را در دانشگاههای اروپایی در محدوده گسترده ای بخوانم از این رو توسط رایانه درخواست پذیرش دادم و بعد از سه ماه جواب قبولی به دستم رسید.

سال سوم رشته مدیریت بازرگانی هستم ولی به علت اینکه می خواستم در خارج از کشور ادامه تحصیل دهم در امتحانات ورودی دانشگاههای فنلاند شرکت کردم که متاسفانه قبول نشدم ولی دوباره در امتحانات بعدی شرکت خواهم کرد.

عبدل گلپریان: آیا بجز تمایل و علاقه تان به رشته تحصیلی خودتان، اهداف دیگری را در دستور کار دارید یا پروژه های دیگری رامی خواهید پیش ببرید؟

بهشاد رضائی: در واقع یکی از علایق اصلی من در طول مدت زندگی ام بجز تحصیلات شرایط و موقعیت فرد دست زنان در حکومت اسلامی بوده و هست اینکه از چه طریقی می تونم به زنان ایرانی از جمله خودم کمک کنم و از طرق مختلف در تغییر شرایط و وضعیتی که هم اکنون زنان در جامعه ایران با آن رو برو هستند موثر باشم. از اینرو در کنار رشته اصلی ام که مدیریت بازرگانی است تصمیم دارم که به تلاش در جهت دفاع از حقوق زنان کاری انجام دهم چرا که شرایطی که سالهاست بر زنان در ایران می گذرد، بویژه برای کسانی که درد و مشقات زنان را بهتر درک و لمس می کنند، می تواند هر

چند ناچیز اما در کنار زدن بسیاری از عقب ماندگی هائی که به زنان تحمیل شده نقش ایفا کنند. فکر می کنم کسانی که در خارج از کشور قرار می گیرند و حتی ذره ای ناچیز هم نسبت به نابرابری های موجود در ایران معترض هستند، میتوانند حرف بزنند و زبان بکشایند. از آنجا که زنان و مردان زیادی در زیر سایه شوم حکومت اسلامی سالهاست دارند زیر اژدهای سنگسار، اعدام، اسید پاشی، قتل های ناموسی و غیره می جنکنند، برای کسانی که می شود رساتر و بلند تر صدای اعتراض زنان را به گوش دنیا برسانند، یک وظیفه انسانی است و من این وظیفه انسانی را برای خود قائم و آزا در دستور دارم تا بتوانم به سهم خود در این رابطه و در کنار زدن این توحش و بربریت کاری انجام دهم. از آنجا که به زبان انگلیسی تسلط دارم قصدم برگذاری سمینارهایی در همین رابطه در دانشگاه نیز هست که امیدوارم بتوانم به پیش ببرم.

عبدل گلپریان: تجربه شما بعنوان زن از وضعیت زنان را در ایران چیست؟

بهشاد رضائی: من در مقطع روی کار آمدن رژیم اسلامی بدنیا آمدم موقعیت زنان در حکومت شاهنشاهی را از زبان بزرگترها شنیده بودم که علی رغم آزادی های نسبی، یکی از اهداف انقلاب مردم علیه رژیم پیشین بهبود وضعیت زنان بوده که قبلا هم این حقوق نقض می شده. وقتی که بزرگتر شدم در کنار این تصویر، خود شاهد زیر پا گذاشته شدن تمام و کمال حقوق انسانی زنان در رژیم اسلامی بودم. زنان در جامعه ایران و تحت حاکمیت اسلام بزرگترین بار و فشارها را بر دوش خود دارند. آنها چه از نظر احکام اسلامی و

اجتماعی زنان را اسم ببرید؟

بهشاد رضائی: از جمله مواردی که می توانم اشاره کنم عبارتند از: ۱. نگهداری بچه اگر پدر معتاد باشد به وی واگذار می شود نه به مادر سالم. ۲. بچه اگر پسر باشد تا ۲ سال پیش مادر می تواند باشد و اگر دختر باشد تا ۷ سالگی می تواند در آغوش مادرش باشد و بالاتر از سنین فوق حضانت به پدر متحول می شود حتی اگر جانی و یا معتاد باشد. ۳. حق طلاق با مرد است مگر اینکه در اول شرط قید شده باشد که آنهم هیچ کس نمی پذیرد. ۴. اگر پدری فرزندش را بکشد مادر حق شکایت به مراجع قضایی را ندارد زیرا بچه مال پدر است. ۵. اگر مادر با پول خودش برای فرزند زیر ۱۸ ساله اش حساب بانکی باز کند حق برداشت ندارد ولی پدر حق برداشت دارد. ۶. در بعضی از دانشگاههای ایران مثل دانشگاه امام صادق زنان به اجبار علاوه بر روسری باید چادر سیاه هم بر سر داشته باشند. ۷. در ورزشگاهها زنان اجازه اسب سواری، فوتبال، شنا در محیط باز را ندارند. بی حقوقی زنان، اصلاً معنای حق زن، حق مرد چه معنایی دارد؟ هر دوی آنها حق حیات دارند، حق آزادی دارند. از نظر من حق یعنی آن هویت انسانی که در حال حیات است، نفس می کشد و برای ادامه بقاء می کوشد. حق در کشور ایران رنگ و بویی ندارد حق انسان عل الخصوص حق زن معنایی ندارد. او را سنگسار می کنند، او را زیر فشار عقاید بی معنی و پوچ حبس می کنند. "حجاب رعایت کن"، "بلند نخند"، "آرایش نکن"، "با مرد غریبه حرف نزن و معاشرت نکن". "با تلفن حرف نزن"، "از سیاست حرف نزن"، "اظهاری نظر نکن"، "دامن کوتاه

آیا به واقع دختران از جنسیت خود بیزارند؟

پاییز بارانی

در حالیکه در بسیاری از مناطق دنیا مبارزات گسترده ای بر علیه آپارتاید جنسی انجام می گیرد و بسیاری از زنان در پی احقاق حقوق از دست رفته خود هستند و همچنین در بسیاری از کشورها شاهد آن هستیم که زنان بسیاری عهده دار پستهای کلیدی و رهبری احزاب سیاسی و اجتماعی بزرگ می باشند در کشور ما که مرتب از اسلام و برابری ای که این دین برای زنان و مردان به ارمغان آورده است سخن به میان می آید شاهد بدترین نوع بی عدالتی و نا برابری ها هستیم که زنان را در حکم بردگانی برای مردان در آورده است. البته چنین وضعیتی تنها گریبان کشور ما که دارای نظامی اسلامی است را نمی گیرد. در کشورهای آفریقایی شاهد ظلم بسیار مردان بر زنان هستیم که ریشه در مذهب و تعصب دارد. ختنه زنان فقط به این سبب که زن را وادار سازد که تا قبل از ازدواج با هیچ مرد دیگری رابطه جنسی برقرار نسازد و زنان را همانند عروسکی بی حس که فقط وسیله ای برای فرودنشاندن شهوت مردان باشد درآورد از دستاوردهای همین دین اسلام است. در کشورهای عربی همانند یمن (کشوری که مردان بر حسب رسم و سنت همیشه خنجری به کمر دارند) دختران تنها با اجازه پدر می توانند از سن دوازده سالگی ادامه تحصیل دهند. در زندگی زنان یمنی این مردان هستند که همواره

برای زنان تصمیم می گیرند. یک دختر یمنی از همان کودکی می آموزد که مرد او همه چیز اوست و او فقط همانند برده ای باید فرمانبردار اوامر مردان چه در نقش پدر، چه در نقش برادر و چه در نقش شوهر باشد. در کشوری مانند کویت زنان حق رای ندارند و زنان دیگر کشورهای عربی نیز تا حدودی همین وضعیت را دارا هستند.

و اما در کشور خودمان ایران که همواره بر در و دیوار و در رسانه های ارتباط جمعی شاهد شنیدن و خواندن شعارهای زیبا در باره حقوق برابر زن و مرد هستیم بی عدالتی در حق زنان به یک حکم و قانون تبدیل شده است. در طی یک نظر سنجی که توسط یکی از سایت های داخل ایران انجام شده است و در بین پانصد و ده دانش آموز دختر و پسر صورت گرفته است، بیشتر دختران از وضعیت جنسی خود راضی نبوده اند و آرزو کرده بودند که یککاش پسر بدنیا آمده بودند. آنان جنسیت خود را مانعی بر سر راه آزادی می دانستند و از محدودیتی که جنسیت برایشان ایجاد کرده است فریاد برآورده اند. و این وضعیت دردناک زنان و دختران ماست.

آیا به واقع دختران از جنسیت خود بیزارند! بر اساس علم روانشناسی هر انسانی که از لحاظ روحی در یک سطح

طبیعی به سر می برد باید از وضعیت خود احساس رضایت کند پس این عدم رضایت دختران فقط و فقط به خاطر پایمال شدن حقوقشان است که به واسطه اسلام و مذهب بر آنان حاکم شده است. احکام و قوانین دست و پاگیری که حقوق یک زن را ابتدا به عنوان یک انسان و سپس به عنوان یک زن از او سلب می کند و حکومتی که هنوز بعد از هزار و چهار صد سال الگوش زنانی چون فاطمه و زینب هستند که حتی در زمانه خودشان و حتی در محدوده جغرافیایی خودشان هم نمی توانستند حرفی برای زدن داشته باشند چه برسد برای زن و دختر ایرانی که هر لحظه در پی آرمان و دنیایی بهتر هستند.

در جامعه ای مانند جامعه ما که مذهب قدرت قانونی و اجرایی دارد زنان اولین قربانیان این قوانین اسلامی پوسیده و عقب افتاده هستند. زنانی که مجبورند دنیای لطیف خود را در سرزمینی خشن و مردانه بسازند و از تمامی حقوق انسانی خود به واسطه اسلام و مذهب بی بهره بمانند. این جمله زیبای مارکس که مذهب افیون توده هاست می تواند شعاری برای تمامی آزادگان جهان باشد که بر اساس آن می خواهند طرحی نو دراندازند و جهانی را بسازند که در آن حقی از هیچ انسانی اعم از مرد و زن و کودک به واسطه دین و مذهب تضعیف نشود.

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعاری نویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریع ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با

شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری،

آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank
Account: 0972959
Sort code: 30-99-86
369Green Lanes
Palmer's Green
London N13 4JH
UK

از سایت سازمان آزادی زن دیدن کنید. [فیلتر شکن](http://www.azadizan.no-ip.com)

www.azadizan.no-ip.com

تلفن تماس:

مرسده قائدی

TEL: +47 980 23484

سردبیر نشریه

سهیلا شریفی

Sohailasharifi@yahoo.co.uk

Tel: +44 771 911 17 38

دستیار سردبیر

علی فرهنگ

رئیس سازمان آزادی زن

آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

دبیر اجرایی

پروین کابلی

TEL: +46 707 744 020